

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۲۲ حافظ

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
سخن شناس نه ای جان من خطا این جاست

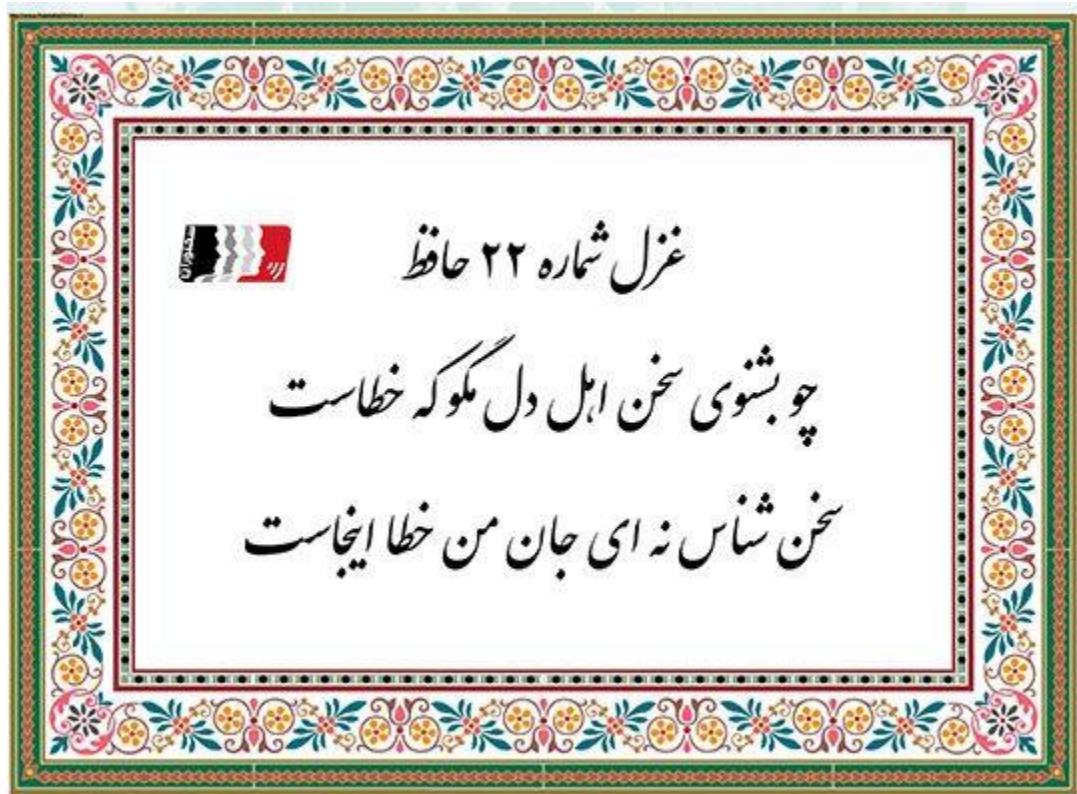
غزل ۲۲ حافظ با چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست آغاز می شود. وزن غزل دل می رود ز دستم ، مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فععلن (مجتث مثنی مخبون محذوف) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. تفسیر برگرفته از کتاب شرح سودی بوسنوی بر حافظ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده می باشد.

آنچه در ادامه می خوانید:

۱- متن غزل

۲- شرح و تفسیر غزل

۳- معنی لغات



متن غزل شماره ۲۲ حافظ

چو بشنوی سخنِ اهلِ دل، مگو که خطاست

سخن شناس نه‌ای جانِ من، خطا این جاست

سَرَم به دنیی و عُقبی فرو نمی‌آید

تَبَارَكَ اللهُ از این فتنه‌ها که در سَرِ ماست

در اندرونِ منِ خسته دل ندانم کیست

که من خموشم و او در خروش و در غوغاست

دلم ز پرده برون شد کجایی ای مطرب؟

بنال هان که از این پرده کار ما به نواست

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود

رخ تو در نظرِ من چنین خوشش آراست

نخفته‌ام ز خیالی که می‌پزد دلِ من

خمارِ صدشبه دارم، شرابخانه کجاست؟

چنین که صومعه آلوده شد ز خونِ دلم

گَرَم به باده بشوید حق به دستِ شماست

از آن به دیرِ مغانم عزیز می‌دارند

که آتشی که نمیرد همیشه در دلِ ماست

چه ساز بود که در پرده می‌زد آن مطرب

که رفت عمر و هنوزم دماغُ پر ز هواست

ندایِ عشقِ تو دیشب در اندرون دادند

فضای سینه حافظ هنوز پُر ز صداست

شرح و تفسیر غزل شماره ۲۲ حافظ

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
سخن شناس نه‌ای جان من خطا این جاست

اهل دل :صاحب دل . اهل ذوق و مکاشفه . سالک طریق دل . مقابل اصحاب عقل

معنی بیت :وقتی از اهل ذوق و مکاشفه و سالک راه طریقت حرف و سخنی می شنوی از آن ایراد نگیر، مشکل اینجاست که تو اهل تشخیص نیستی.

سَرَمَ به دنیوی و عُقْبی فرو نمی آید
تَبَارکَ اللهُ از این فتنه‌ها که در سَرِ ماست

عقبی :آخر هر چیزی، قیامت، رستاخیز

تبارک الله :پاک و منزّه است خداوند و در مقام تعجب و تحسین استعمال میشود و استعمال این در مدح بوقت تعجب باشد. و گاه در مورد اشخاص استعمال شود بمعنی وه . خَهْ خَهْ ، بَهْ بَهْ ، آفرین ، بَخْ بَخْ ، بارک الله، ماشاءالله، احسنت

فتنه :آشوب و بلوا

معنی بیت :در مقابل دنیا و آخرت سر خم نمی کنم و تسلیم نمی شوم. احسنت و آفرین به افکار خلاف صواب و پرآشوب و بلوا که در ذهن من است.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست
که من خموشم و او در خروش و در غوغاست

اندرون :درون

خسته دل :دل فکار. دل افکار. دلخسته . غمناک . غمین . دلتنگ . آزرده دل

خروش و غوغا: داد و بیداد . فریاد و فغان . در برخی نسخ به جای خروش، فغان آمده است (که من خموشم و او در فغان و غوغاست)

معنی بیت: نمی دانم در درون من دلخستۀ دلتنگ کیست که در حالی که من ساکت و خاموش هستم او در حال فریاد و فغان است. مراد اینکه این دل دیوانه و عاش من است که در جوش و خروش است و فریاد و فغانش همه عالم را پر کرده، اما من ساکت و صبوری می کنم.

دلم ز پرده برون شد کجایی ای مطرب؟
بنال هان که از این پرده کار ما به نواست

دلم از پرده برون شد: مراد پرده اختیار و رضا است. یعنی از عشق و محبت یار، اختیار عqlم را از دست داده ام. پرده در بیت دوم به معنای موسیقی نوا و نغمه و آن تغییر ارتعاشی میان دو نت متوالی به جز می و فاء و سی و دو است.

مطرب: سازنده و نوازنده و خواننده

بنال: فعل امر از نالیدن به معنای با آواز اندوه خویش را بیان کردن است

نوا: در اصل به معنای خوراک و توشه است. مجازاً در اینجا به معنای سر و سامان، نیکویی حال و رونق است. ضمناً نوا نام یکی از دستگاه های آواز ایرانی است و معنای چند وجهی پرده و نوا و ترکیب آن در شعر به غایت زیباست.

معنی بیت: از غم فراقِ عشقِ یار، صبرم تمام شده اختیار از دست داده ام. ای نوازندگان و خوانندگان و رامشگران، این اندوه و غم و اندوه فراقِ من را با ساز و آواز خود بنوازید که از صدای ساز و آواز شما دلم آرام و قرار گیرد.

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود
رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست

التفات: توجه، اعتنا، میل

آراست: تزئین کرد، زینت داد

رخ: صورت

معنی بیت: من هیچ اعتنا و توجهی به این جهان نداشتم. اگر هم این جهان و آنچه در آن هست در نظرم زیبا شده به خاطر زیبایی رخسار توست. مراد آنکه زیبایی عالم از توست

**نخفته‌ام ز خیالی که می‌پزد دلِ من
خمارِ صدشبه دارم، شرابخانه کجاست؟**

خیالی که می‌پزد: خیال پختن به معنای اندیشه بیجا و بی فایده به ذهن خطور دادن، فکر و خیال بیهوده کردن است. البته به معنای آرزو کردن هم می‌باشد.

خُمار: چشمی که بر اثر مستی حالت خواب آلوده ای دارد

معنی بیت: از این همه فکر و خیال که از عشق و فراق یار در ذهنم می‌آید چند شب است که خوابم نمی‌برد. مانند مستی که از شراب، چشمانش خمار و خواب آلود شده ولی به جای اینکه بخوابد باز هم شراب می‌نوشد، دل من هم شراب می‌خواهد شاید از مستی شراب، درد خماری و فکر و خیال تو از ذهنم برود.

**چنین که صومعه آلوده شد ز خونِ دلم
گرم به باده بشوید حق به دستِ شماست**

صومعه: عبادت خانه ترسایان و نصاری که سر آن بلند و باریک سازند. جای عبادت

گرم: اگر من را

باده: شراب

حق به دست شماست: حق با شماست. حقیقتاً لایق این هستم

معنی بیت: از فراق جانان چنان خون گریه کردم که جان از تنم رفت و محراب عبادت به خون من آلوده شد. اگر جنازه من را به جای آب با شراب غسل دهید حق دارید.

از آن به دیرِ مغانم عزیز می‌دارند
که آتشی که نمیرد همیشه در دلِ ماست

دیر مغانم: مجلس عرفا و اولیا. مراد آنکه در دیر مغان، عزیزم می‌دارند

آتشی که نمیرد: مراد عشق پایدار و جاودان است

معنی بیت: به خاطر آتش عشق جاوید و مانایی که در دل دارم در مجلس عرفا و اولیا صاحب آبرو و عزت و اعتبار شده ام.

چه ساز بود که در پرده می‌زد آن مطرب
که رفت عمر و هنوزم دماغِ پر ز هواست

پرده: به معنای موسیقی نوا و نغمه و آن تغییر ارتعاشی میان دو نت متوالی به جز می و فا، و سی و دو است.

مُطْرِب: سازنده، نوازنده و خواننده موسیقی

رفت عمر: مُرَدَم

دماغِ پر ز هواست: سرم پر از آرزو و خیال است

معنی بیت: این چه نغمه و نوای عاشقانه ای بود که مطرب عشق نواخت. عمر من تمام شد ولی هنوز صدای آن نغمه عاشقانه از سرم نمی‌رود.

ندای عشقِ تو دیشب در اندرون دادند
فضای سینهٔ حافظ هنوز پُر ز صداست

ندا: آواز، آوا، بانگ، جار، صدا، صلا، صوت

پر ز صداست: پر از نوای عشق است

معنی بیت: هنوز سینه ام پر از شور و غوغای نوا و ندای عاشقانه ای است که دیشب در قلبم شنیده ام.

نویسنده: دکتر زند